

چرا اینطور هستیم؟

بجزء از خود که شکر خداوند «شیر» هستیم، دگه در دنیا از هرکس گله و شکایت داریم که مارا در بدر و بیچاره ساختند:



- امریکا: فریاد می زنیم که امریکای جهانخوار ما را مستعمره خود ساخته. و یک جوهر رهبر ما، برای آنها خوده مسقره ساخته.
- انگلیس: شکایت داریم که انگلیس شیطان است، فراهم کننده شیر، چوشک و بمپر برای دشمن درجه یک ما پاکستان است. و این طفل حرامی در اصل پدر معنوی طالبان است.
- پاکستان: این بی پدر لعنتی، تربیه کننده و تولید گر انتحاری و طالب های وحشی، که در درون و بیرون هر کدام شان مواد منفجره را تخته می کنند، انواع بم و راکت را در سر و کون شان تعبیه میکنند، بعد برای کشتن مردم ما روان می کنند و هر روز می بینیم که وطن ماره ویران می کنند.
- ایران: هم دارای اصل و هم نسب، اما پدر سوخته بی تربیه و بی ادب، زنده های ما را به بهانه های مختلف می زنند به دار، یا به جنگ سوریه می می فرستند به اجبار، اما مرده های ما را از خود می شمارند هم ما ره یک قوم بی فرهنگ و بی همه چیز و وحشی می دانند، و هم از اینکه محتاج شان هستیم بخود می بالند.
- چین: این قوم آجوج و ماجوج به منابع زیر زمینی ما چشم های کوچکش را دوخته، برای پاکستان و ایران آتش دهن سوز پخته اند، کوشش دارند تا که می توانند تولیدات شان را زیاد کنند و رقبای اقتصادی خود در جهان برباد کنند.
- عربستان: حکومت آن با همدستی وهابی ها با یک قوده ریش و نیم متقال بروت، سر و کله شان پر از خرافات و حنجروت، میخواهند در کشور ما قانون سر بریدن، سنگسار و قطع دست شود اجرا و خود شان تشناب های طلایی برای رفع حاجت و عیاشی و تفرج در هر کنج دنیا مهیا.
- روسیه: حالا که رهبری چون پوتین دارد، سخت دل پر درد از شکست پیشین دارد، قوايش را جابجا در کمین دارد تا اگر بار دگر این صید در دامش افتد.
- طالب ها: که سابق ها در روز تنها برای ملا خدمت می کرد و شب هم در بسترش او را عزت می کرد، حالا موقف و آدرس سیاسی پیدا کرده اند و می خواهند طرف مقابل شان در مذاکرات انگلیس و امریکا باشد سابق از شکم سیر نمی شدند، حالا دفتر شان در قطر دفتر در قصر و ویلا باشد.
- داعش: یا «دولت اسلامی عراق و شام» با ریش های شبیه جارو بته و بروت های تراشیده، باز لا و لشکر توسعه خلافت اسلامی را در میدان کشیده. عجب خواب و خیالی، تأریخ را با سر بریدن و کشتار جمعی و اسیر سازی و چور و چپاول، تلاش دارند چهارده صد سال به عقب برانند.

- حزب اسلامی گلب الدین: این انسان هرزه و بی برنامه و بی دین، با سایر انجیر هایش نی کدام هنر و نی صفت دارند، از روز تولدشان تا کنون بجز خود، از همه نفرت دارند. در کوچکترین موضوع، بد خو می شوند، بی لحاظ و بی آبرو می شوند، از پس و پیش راکت می زنند، ده هر کس که خورد ری نمی زنند.

علت همه این جنجالها اینست که:

- عده ای از پښتون ها می گویند: تاجک ها، ازبک ها، ترکمن ها و هزاره ها مردمان اصیل این مرز و بوم نیستند، باید پس بروند به کشور اصلی شان و وطن ما را برای خود ما بگذارند.

- دیگران اینرا جاهلانه پنداشته میگویند: پښتون ها جاه طلب، متعصب و همکار پاکستان یعنی دشمن تاریخی ما هستند درحالیکه ۹۵ در صد طالب از همین قوم است، همیشه میخواهند قدرت دولتی هم در دست خود شان باشد.

- اهل تشیع با اهل تسنن چندان رابطه خوب ندارد و باهمدیگر رقابت دارند. آب شان در یک جوی نمی رود. بعضی تند روان شان، طرف مقابل را از دایره اسلام خارج می دانند.

- افراطیون مذهبی، چپی ها را کافر و بی دین خوانده همراهی شان تا ابد در یک راه نمی روند.

- چپی ها عقیده دارند که افراطیون جنایاتی را در کشور مرتکب شدند که رژیمهای آنها مستحق صدمه رحمت و خدا بیامری شدند.

- حزب جمعیت اسلامی و وحدت اسلامی باهم دشمنی چندین ساله دارند.

- شورای نظار کابل را چور و ویران کردند.

- کور دلان حزب اسلامی کابل را سوراخ سوراخ و راکت باران کردند.

و به این ترتیب یکی به کله یکی دیگر حواله کرده مسئولیت بدبختی افغانستان را بگردن همدیگر می اندازند. و هیچکس حاضر نمیشود دیگری را پذیرفته در آبادی و اعمار این کشور و رفع بدبختی های مردم کاری را انجام دهد. بناءً نتیجه این همه گد و دی چنین شده که:

- والی صاحبان و رؤسای ادارات: اینها همه شان یا خویش و قوم وزراء، وکیل و یا وکیل صاحبان پارلمان اند و یا برای دریافت این مقام پول گزاف پرداخته اند یعنی آنرا خریداری نموده اند.

- کابینه: اکثریت اعضای کابینه به اعضای چورلمان (پارلمان) رشوت گزاف پرداخته تا وزیر شده اند. حالا تا می توانند تلافی مصارف کرده شده را می نمایند.

- پارلمان: این مرکز تجمع لبران مرکب است از: ۳۰ در صد طالب و داعش، ۳۰ در صد قاقاقیر و مافیا، ۲۰ فیصد مردمان صادق و وطنپرست و ۲۰ فیصد جنگسالاران و مجاهدین سابق که از نفوذ و قدرت شان در بین مردم منطقه شان استفاده نموده رأی گرفته وکیل شده اند.

اما از چند ماه به اینطرف بخاطر تکمیل شدن دوره کاری، همه شان بطور غیر قانونی بر گرده ملت سوار اند.

- رئیس اجرائیه عبدالله جان: این جوان بخاطر رسیدن به این مقام، سی سال زحمت گرما و سرما را متقبل، در کوه ها تا و بالا شد و هزار نوع تکلیف را صبورانه قبول کرد تا بالاخره میوه صبر و بردباری اش را از برکت چندین سفر جان کری بدست آورد و اینک در پهلوی اینکه گپ های بسیار شیک می زند، شیک می پوشد، شیک می خورد و شیک شیک تشناب می رود. خاک ده سر این ملت که باز یگان بار مزاحم این بیچاره می شوند و نمی گذارند چند روزی دم خود را بگیرد!

- و بالاخره: رئیس جمهور غنی خان را دو متقلب بی نظیر، یکی جوان یکی پیر، نورستانی شادی زاده و بابه امرخیل گوسفند چرانده به قدرت رسانیدند اما در واقعیت در حقش ظلم و ناروای بسیار کردند، بخاطریکه با رئیس جمهور شدن نزد مردم دنیا رازش را فاش و کارش را زار کردند: همه از روده کوتاه، معدۀ پینه بی، گرده غار غار و بدتر از همه کله خالی اش خبر شدند، واقف از لودگی و سادگی و بی مغزی این مرد بی هنر شدند، خلاصه یک نام و نشان و عزت و اعتبار نیم و نیم کله را که در کشور داشت، خاک برابر شد و حالا این دومین مغز خالی جهان، با ایزار بند گریخته راه گریزش را می پالد. حالا دوستان عزیز شما قضاوت نمایید با این حال و روز بدی که داریم:

- تا زمانی که ما یک ملت واحد نشویم و دست بدست هم ندهیم،
 - دوست را از دشمن تفکیک نکنیم، با دوستان دوستی و با دشمنان دشمنی نکنیم،
 - برای آرامی مردم و آبادی وطن قربانی ندهیم،
 - اصلاح را از خود شروع نکنیم، منافع مردم را بر منافع شخصی خود ترجیح ندهیم،
 - تعصب و قوم پرستی را ترک نکنیم، همدیگر پذیر نشویم، دشمنی های گذشته و انتقام گیری ها را یکسو نگذاریم،
 - قانون و تطبیق قانون را بالا تر از هر چیز دیگر قبول نکنیم،
 - بدون احساس خستگی برای آبادی و ترقی کشور کار نکنیم،
 - از فساد، خیانت، دزدی، دشمنی بیجا و اختلاس پرهیز نکنیم،
 - وجدان خود را تکان داده از خواب خرگوش بیدار نشویم.....
- این وطن، وطن نمی شود و ما همینطور بطرف قهقرا و سرنگونی فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی به همین سرعت که روان هستیم، روان خواهیم بود.
- انتظار همدردی، غمشریکی، کمک، فداکاری و دوستی بی شایبه و بی مقصد و مدعا را از دیگران نداشته باشیم.
- بر سر این موضوع هم فکر کنیم که در آینده فرزندان ما این دوره را در تاریخ چه خواهند نامید؟؟؟
- گل و لای این سیه رویی، خیانت ملی و ذلت اولتر ده سر و کون رهبران مالیده می شود بعد به دیگران. (والسلام)